



۲۰۱۷/۰۴/۱۹

ملالی موسی نظام

آیا حقیقتاً آسیاب بابا به نوبت است؟!

ضیاء مسعود امر عزل رئیس دولت را رد می کند

روز دوشنبه گذشته خبر غیر منتظره ذیل در مطبوعات و اخبار منتشر گردید: "رئیس جمهور غنی روز دوشنبه با صدور فرمانی، احمد ضیاء مسعود را از وظیفه اش عزل کرد. احمد ضیاء مسعود می گوید مشارکت وی در ساختار حکومت وحدت ملی افغانستان، در نتیجه تعهد «؟!» کتبی بوده که بر اساس آن رئیس جمهور غنی، حق عزل او را ندارد".

می پذیریم که با اظهارات فوق، گویا برادر امر صاحب به مثل «هرکه را چند روزی نوبت اوست» مطلق بی عقیده می باشد. در نا به سامانی های اداره افغانستان، جای تعجب نیست که یک مأمور دولت با وجود آگاهی از موجودیت قوانین و مقررات و صلاحیت یک رئیس دولت، جرأت ابراز چنین یک اعتراضی را بر علیه امر بلند ترین مرجع قدرت سیاسی داشته باشد؛ یعنی در حقیقت جای بسی افسوس است که احمد ضیاء مسعود به هر رتبه و مقامی که قرار دارد با تکیه به گروه و گروه معلوم الحال و قدرت طلب اتحاد شمال، گویا دعوی میراث چوکی و بقای دائمی را در بدست داشتن هرچه بیشتر صلاحیت و اختیارات و مقام دارد!

از همان آوان قهرمان سازی احمد شاه مسعود، با داشتن شخصیت چند بعدی نامبرده و وابستگی وی به ممالک و مؤسسات استخباراتی شرق و غرب و سابقه همکاری اش با اتحاد شوروی سابق و امضای پروتوکول های گوناگون با آن دولت اشغالگر برای تخریب هرچه بیشتر افغانستان اشغالی، ابتیاع هر نوع قدرت و دسترسی به ثروت به طرق مختلفه، گویا در نفس روش و پالیسی گروه اتحاد شمال و جمعیت جا داشته است.

در شرائطی که بعد از شکست طالبان در مملکت پیش آمد، البته در به قدرت رسانیدن جنگ سالاران و دقیقاً جنایتکاران جنگی منجمله گروه اتحاد شمال و جمعیت، علی الرغم بی کفایتی و ناتوانی در تجارب و حتی سویه های تعلیمی «مثلاً قسیم فهیم با لقب مارشالی سواد بیشتر از صنف ششم ابتدایی نداشته است»، اولاً با پالیسی های کاملاً غلط ممالک ذیصلاح در مقدرات مردم بیچاره افغانستان و ثانیاً ذریعه فروخته شده قهاری به نام حامد کرزی، در اشغال کرسی های مهم دولت و پارلمان سهم زیادی گرفتند.

امروز با تشکیل یک مرجع قدرت دو رهبره و مسخره به نام «حکومت وحدت ملی» که هیچ توافقی با مواد مندرجه قانون اساسی ندارد، آنچه تصور می شد به وقوع پیوسته و عبدالله عبدالله شانه به شانه با اشرف غنی

برای اداره از هم پاشیده در مسابقه قدرت نمایی سهمیم گردیده است که تفصیل اداره و ثبات افغانستان را با موجودیت مشکلات روز افزون اداری و تخریب بنیادی ذریعه جنگجویان مختلفه، فقر، بی امنیتی و صد درد بیدرمان دیگر ناظر و شاهدیم. در چنین احوالی در حالیکه موقف قدرتمندی دیگر گروپ های تنظیم های جهادی نسبتاً کم رنگ شده می رود، بر عکس گروه جمعیت ربانی و شورای نظار منحيث وارثین بر حق «!» آن خاک پاک که مردم آن از همان اشغال مملکت به اینطرف در دسیسه ها و سوء استفاده های وسیع آنان سخت گرفتار اند، نه تنها در اوج قدرت قرار دارند، بلکه با ایجاد وحشت و دهشت، طلب اختیارات بیشتر و «دایمی» نیز میباشند.

مشاهده گردید که در اختلافاتی که بین عطای نور عضوی از «جمعیت» و عبدالله عبدالله امر فعلی «شورای نظار» رخ داد، راپوری از جانب عطای نور عنوانی رئیس جمهور اشرف غنی منتشر شد که در آن تقسیم و ترکه فیصدی کرسی های مهم دولتی و مأمورین وزارت خانه ها و دیپلومات های افغانستان به وضاحت تشریح گردیده بود. یا الله! یعنی در یک مملکتی که کاغذ پاره ای به نام قانون اساسی و عمارتی تحت عنوان شورای ملی موجود باشد، مگر در کدام گوشه دیگری از جهان امکان چنین خطاهای غیر قابل بخشش و فریب و تزویر در حق یک ملت شریف، جنگ زده و بی سرنوشت، میتواند موجود باشد که در افغانستان است؟!

اینکه ضیاء مسعود با ستارت ادعا دارد که مشارکت وی در دولت اشرف غنی و حکومت وحدت ملی «؟!» در نتیجه «تعهد» کتبی بوده و بر اساس آن رئیس جمهور غنی، حق عزل او را ندارد، مگر قانونی، اداره ای و اصولی موجود نیست که چنین ادعای میان خالی و مطلق غیر قانونی یک تبعه افغانستان را که هیچ حقی بیشتر از دیگر تابعین افغان ندارد، نفیه نماید؟! آیا این «تعهد» میراثی است در قدرت نمایی دائمی بر این آب و خاک و مردم مظلوم آن؟

به حکم تاریخ وطن و منطقه، ضیاء مسعود و گروه و باند وی در مقدرات ۳۸ سال اخیر افغانستان سهم برجسته ای داشته اند، وابستگی های آنان با اتحاد شوروی وقت و سی آی آ در عین زمان که اشغال افغانستان را به درازا کشانید، تا تخریب کابل و کشتار ۶۵ هزار سکنه بی دفاع آن، تا حمله خونین بر افشار و شهر های ماحول آن و کشتار بیش از ۵۰۰۰ اقلیت شریف هزاره ما صرف برای دوام قدرتمندی، هرکدام روی صفحات تاریخ این مرز و بوم را سیاه نموده است که استناد و استدلال بر همه، دیگر سالهاست که از جانب منابع مختلفه معتبر نشر مطبوعات خارجی و داخلی گردیده است.

در آستانه اعلام موفقیت اشرف غنی در انتخابات ریاست جمهوری اخیر، شاهد عکس العمل عبدالله عبدالله و یخن دریده و موهای آشفته وی بودیم که داد میزد که: به سوی ارگ رفته و آنرا اشغال «؟!» می نماییم.... مردم «؟!» نمی خواهند که مرا شکست خورده ببینند و و... " همه ایجاد رعب و دهشت در محیط، همه تهدید و تحریک برای برهم زدن نظم و امنیت عامه... همه برای «دوام» قدرت به شکل میراثی که گویا این گروه صاحبان و وارثین چنین سرزمینی بوده اند و می باشند و خواهند بود؛ مثل دولت عربستان سعودی ائتلاف نام نهاد شمال هم باید تا جهان است بر مقدرات افغانستان حکمروایی نماید. مگر چرا؟!

در ملاقات احمد ضیاء مسعود با خبرنگاران وی به منزله یکی از وابستگان شورای نظار و باورمندی آنان به قدرتمندی دایمی بر افغانستان، می بینیم که به روش تهدید و ارعابی که خاص آن گروه است، نامبرده چگونه حالاتی را بیان میدارد. اینک قسمتی از راپور صدای امریکا :

آقای مسعود از رئیس جمهور غنی می خواهد تا فرمان خویش را مبنی بر تعهد وظیفوی وی، باز پس گیرد. آقای مسعود که در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل، در عکس العمل به عزل او از سوی محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان، صحبت میکرد گفت: " نظر به همان تعهدات کتبی، خصوصاتی که در تشکیل وحدت ملی وجود دارد «خصوصیات به نفع یک گروه خاص استفاده جو - ازین قلم»، رئیس جمهور هیچ حق ندارد که مثلاً من را از موقف عزل نماید." یا الله زنده باشیم و بیشتر نظاره نماییم. آقای مسعود افزود که: " این فرمان، زمینه بی ثباتی را در کشور مهیا می سازد. او فرمان رئیس جمهور غنی را مبنی بر عزل خویش، «فاقد معنی و محتوی» خواند".

آقای مسعود گفت: "همه گی «یعنی اقلیت شورای معلوم الحال و قدرت طلب ائتلاف شمال - ازین قلم»، اخطار میدهند که اگر حکومت درین قسمت اشتباه نموده، فرمان خود را پس بگیرد".

این بود قسمتی از بیانات و تهدید های غیر منصفانه و دور از اخلاق و صلاحیت قانونی، صرف یک نفر از تابعین دولت افغانستان که خود و گروه وی دهه های متوالی با غصب حقوق هزاران افغان صاحب تجربه، صاحب علمیت و مستحق کار، رتبه و مقام، بر مملکت خدا داد حکمروایی نموده و ملیون ها بودجه باز سازی و اعمار مجدد را با انواع استفاده جویی های زیرکانه از عایدات غیر مجاز، سابقه انتقال پول و دارایی عامه به خارج که تکراریست از مکررات.

در اخبار امروز منتشر گردیده است که در جواب خبر نگاران، معاون عبدالله اظهار داشته است که رئیس اجرائیه از امر عزل ضیاء مسعود ذریعه رئیس جمهور غنی بی اطلاع بوده و تبصره ای هم در زمینه گویا ابراز ننموده است.

دیده میشود که با تمام قانون بازی و وعده و وعید و حضور جمعی در پارلمان و قضاء، هنوز که هنوز است آب زور به بالا رفته، در افغانستان جنگ زده ویران چنین گروه و گروه استفاده چپان هیچ مجالی به آنانی نمی دهند که در آسیاب بابا حق و حقوقی و نوبتی هم داشته باشند. یعنی مثل عام فهم سرزمین افغانستان که به لسان ملی پشتو هم مروج است «ژرنده که د پلار دی، هم په وار دی» در شرایط حاد و نابسامانی مادر وطن مفهومی ندارد.

پایان